

اعترافات یک معتاد انگلیسی

توماس د. کوئینسی

ترجمه‌ی مرتضی حنوی

سرشناسه: د کوئینسی، تامس، ۱۷۸۵ - ۱۸۵۹ م. De Quincey, Thomas
عنوان و نام پدیدآور: اعترافات یک معتاد انگلیسی / توماس د. کوئینسی؛ مترجم مرضیه خسروی.
مشخصات نشر: تهران: روزگار نو، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
فروست: ایده‌های بزرگ.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۶-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: c1۸۹۸. Confessions of an opium eater
موضوع: نویسندگان انگلیسی -- قرن ۱۹ م. -- سرگذشتنامه
موضوع: تریاک -- اعتیاد -- انگلستان
موضوع: معتادان به مواد مخدر -- انگلستان -- سرگذشتنامه
مناسبه: ورودده خسروی، مرضیه، ۱۳۶۲، مترجم
رده بندی کنگ: PK
رده بندی دیسی: ۶۱۶.۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۲۷۸

انتشارات: روزگار نو
اعترافات یک معتاد انگلیسی
نویسنده: توماس د. کوئینسی؛ ترجمه‌ی مرضیه خسروی.
ویراستار: کاوه عزیزی
چاپ اول: بهار ۱۳۹۵
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۶-۴
قیمت: ۸۰۰۰ تومان
شمارگان: ۱۰۰۰

Nashreroozegar.com
nashreroozegareno@gmail.com

اعترافات یک معتاد انگلیسی

توماس د. کوئینسی

ترجمه‌ی مرضیه خسروی



طراح جلد: پریسا عزیزی

نویسنده چاپ: اهل ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۸۰۰ تومان

چاپ و صحافی: روزگار

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۷-۵۶-۴

نشانی دفتر: تهران-خ انقلاب-خ دانشگاه-جنب خیابان شهیدای

ژاندارمیری-مرکز خرید دانشگاه-طبقه زیر همکف-سردر روزگار

تلفن تماس: ۰۹۱۲۶۸۵۵۹۷۶ - ۶۶۹۵۸۱۴۰

فهرست:

۷	مقدمه
۱۳	بخش اول
۱۳	اعترافات اولیه
۵۱	بخش دوم
۵۵	لذات مواد مخدر
۶۹	دییاجهای بر رنجهای [مصرف] مواد مخدر
۸۳	رنجهای مواد مخدر

مقدمه :

طالب به خواننده - خواننده محترم، در این جا خاطرات دوره مهمی از زندگی خود را برای تان بیان خواهم کرد: خاطراتی که با توجه به کاربرد آن برای خودم، یقین دارم که صرفاً مطلبی جذاب نخواهد بود، بلکه تا حدود بسیاری سودمند و آموزنده نیز خواهد بود. با همین امیدواری است که دست به گامش آن زده‌ام، و به همین دلیل نیز ضرورت دارد به جهت نقض حریم حساس و شرافتمندانه‌ای که در اغلب موارد ما را به‌رغم ارتکاب اشتباهات از سرزنش عمومی در امان می‌دارد، عذرخواهی نمایم. در واقع، هیچ چیز برای یک انگلیسی نفرت انگیزتر از مشاهده کسی نیست که بر جرات اشتباهات خویش اصرار می‌ورزد، و آن "پرده حیا"یی که زمانه ما را بر مرحمت بر ضعف‌های اخلاقی انسان کشیده را می‌درد.

بر همین مبنا، قسمت اعظم اعترافات من (که اعترافات ناخودآگاه و فرا قضایی است) با ذکری از افراد بدنام، ماجراجوها و کلاه برداران همراه است. و این که چگونه می‌توان فردی که مرتکب چنین اعمال حقیر و پستی می‌شود را در همراهی با قشر محبوب و محترم جامعه تصور نمود، مطلبی است که می‌باید سراغ آن را در ادبیات فرانسه و یا

آن بخش از ادبیات آلمانی که از ادبیات نادرست و منحرف فرانسوی آلوده شده است، گرفت. من قویاً احساس می‌کنم که تنها به این جهت زنده‌ام که مطلب را نقل نمایم و ماه‌ها بود که بر اثر نحوه شایسته انتشار عمومی این و یا تمام داستانم مردد بودم و تنها به انتشار آن پس از مرگم رضایت داشتم (اما اکنون بنا به برخی دلایل تمام آن منتشر می‌شود). و یقیناً با تردیدهای عقلایی در جهت و علیه این اقدامی که در نهایت تصمیم به انجام آن گرفته‌ام همراه خواهد بود.

این افراد در خلوت و انزوای خود حس طبیعی گناه و مصیبتی دارند که به سمت توجه عمومی حاصل می‌شود، و گاه کار به جایی می‌رسد که به هنگام انتخاب مزار برای خود نیز از قسمت عمومی گورستان دوری می‌کنند، و آن در هر که از معاشرت با اکثر اعضای فامیل خودداری می‌کنند و آنرا می‌نمایند (متأثر از بیان آقای وردز ورث) متواضعانه بتوانند در بیغوغه‌ای به ابرار ندامت بپردازند.

این امر در کل درست است و باید چنین نیز باشد و من به شخصه در صدد نیستم که با چنین احساسات سودمندی مقابله نمایم و به زبان و به عمل نیز در پی تضعیف آن‌ها نیستم. اما از یک سو، سرزنش نمودن خود منجر به اعتراف به خطا نمی‌شود، از سوی دیگر نیز، این امکان وجود دارد که اگر چنین اتفاقی بیفتد، منفعتی که از این عمل به سایرین می‌رسد، یعنی ثبت تجربیاتی که به چنان بهای سنگین و کسب شده است، به میزان زیادی بهتر از خودآزاری‌ای باشد که خود من هم درگیرش بوده‌ام و باعث نقض این روال عام شود. ضعف و بدبختی اروما متضمن خطا نیست؛ این دو، به تناسب انگیزه‌های احتمالی و چشم انداز فرد خطاکار، از سایه‌های آن اتحاد تاریک حاصل می‌شوند و تسکینی هستند، آشکار یا پنهان، بر خطا متناسب با وسوسه‌هایی که از ابتدا با قدرت بر فرد تحمیل می‌شوند، همچنان باقی می‌مانند و تا پایان نیز همچنان فعالانه باقی می‌مانند. در مورد خود من، بی‌آن که قصد دروغ پردازی یا ریاکاری

داشته باشم، تأیید می‌نمایم که زندگی در کل، زندگی یک اندیشمند بوده است. زیرا از ابتدای به دنیا آمدنم انسانی فهمیم بوده‌ام و این خردورزی همیشه قرین و همراه بوده و از آن محفوظ شده‌ام، حتی از زمانی که پسر کوچکی بوده‌ام. اگر اعتیاد لذتی نفسانی است، و اگر من می‌بایست اعتراف نمایم که در مصرف آن افراط نموده‌ام، چنان که از هر کس دیگری که تا کنون عنوان شده^۱ بیشتر مصرف کرده‌ام، اما باید این را هم گفت که من با حمیتی مذهبی با این افسونگر بنده پرور مقابله کرده‌ام، و در نهایت نیز کاری انجام داده که هیچ گاه نشنیده‌ام فرد دیگری موفق به انجامش شده باشد - گشودن تمام حلقه‌های زنجیر ملعونی که مرا به اسارت خود برآورده بود. چنان پیروزی نفسانی منطقاً منجر به بخشش فرد از پیروی من می‌شود؛ اما در مورد من از آن جا که این پیروزی نفسانی را دلم نمی‌توانستم، بخشودگی خودم با تردیدهای غیرمنطقی همراه شد، مثلاً آن را به هدف تسکین درد تعمیم می‌دادم و یا به هدفی همچون هیجان ناشی از لذت صرف محدود می‌نمودم.

اما معتادین چه کسانی هستند؟ خواننده، متأسفانه باید بگویم جمعیت این گروه بسیار زیاد است. بر همین اساس چند سال قبل بر آن شدم تا در آن ایام تعداد افراد معتاد در میان کشورهای کوچک و بزرگ انگلیسی (مردانی که به جهت استعدادهایشان افراط می‌کنند) را بشمارم و از جایگاه اجتماعی بالا برخوردارند) که برایم، اعم از مستقیم و غیر مستقیم، شناخته شده بودند را برآورد نمایم؛ برای مثال، باب... واعظ و فردی سخاوتمند، کشیش کلیسای...، لرد...، آقای... فیلسوف... آقای... یکی از کارگزاران فعلی دولتی (برایم احساسی که اول بار او را به سمت مصرف مواد سوق داده بود را تبیین می‌نمود و در این ضمن عنوان کرد که او هم به مانند کشیش... "تصور می‌کرده موش‌ها نیم‌تنه‌اش را می‌جوند")؛ و

^۱ این عبارت را از این جهت به کار می‌برم که گویا مرد مشخصی در روزگار ما هست که اگر گفته‌ها صحیح باشد، به مراتب بیش از من مصرف می‌نماید.

بسیاری افراد معروف دیگر که ذکر نامشان باعث رنجیدگی‌شان خواهد شد. حال اگر یک طبقه اجتماعی که در مقام قیاس تعداد بسیار محدودی از افراد جامعه را دربر می‌گیرد، از چنین آمار بالایی برخوردار است (و با توجه به این که این آمار تنها توسط یک نفر کسب شده) به صورت طبیعی می‌توان استنباط نمود که چه تعداد وسیعی از جمعیت انگلستان معتاد هستند. این استنباط برایم جای تردید داشت تا زمانی که حقایقی برایم آشکار گردید که نشان داد این نتیجه‌گیری صحیح بوده است. من دو مورد از آنها را بیان می‌نمایم: ۱. سه نفر از داروسازان آبرومند لندن، که رب شای مختلف لندن کار می‌کنند، هنگامی که در این اواخر در پی به دست آوردن مقداری تریاک بودم، با اطمینان گفتند که جمعیت معتادین نیز برده‌ای (چنان که من آنها را نام نهاده‌ام) بسیار زیاد است؛ و مشکلات ناشی از سوءاستفاده این افراد، که اعتیاد مصرف دائم را برای‌شان ضروری ساخته است، خرید تریاک را برای ایشان به امری مشابه خودکشی بدل نموده و مشکلات و مشاجرات مستمری را فراهم نموده است. اما، مطلب بعدی (که احتمالاً بیشتر موجب تحیر خواننده خواهد شد) این است که چند سال قبل، با هنگام گذر از منچستر، از تعدادی از مالکان کارخانه‌های نساجی شنیدم که کارگران ایشان هر روز با شتابی بیش از گذشته به سمت مصرف مواد مخدر می‌روند؛ تعداد این افراد چنان افزایش یافته که در عصر روزهای شنبه، اشغال داروخانه‌ها پر می‌شود از بسته‌های یک، دو و سه گرمی تریاک که برای متقاضیان پرتعداد آن تهیه شده است. این کار نتیجه بلافصل پایین بودن حقوق کارگران بود، زیرا به ایشان اجازه خرید نوشیدنی یا سایر مسکرات را نمی‌داد؛ و شاید چنین تصور شود که با افزایش حقوق از مصرف این ماده کاسته شود، اما به من شخصه باور نمی‌کنم فردی که یک بار لذت ماده مخدر را چشیده باشد، هیچ گاه مزاج خود را تنزل داده و به مصرف الکل قناعت ورزد؛ من با این گفته موافقم:

آن کسانی که اکنون مصرف می‌کنند، سابقاً مصرف نمی‌کردند؛ و کسانی که سابقاً مصرف می‌کردند، اکنون بیشتر مصرف می‌کنند.

در واقع قدرت جذب کنندگی مواد مخدر حتی از سوی مولفین پزشکی، که بزرگترین دشمن این ماده هستند، نیز مورد تأیید است؛ برای نمونه، آوسیتز، داروساز بیمارستان گرینویچ، در مقاله خود تحت عنوان "تأثیرات تریاک" (منتشر شده به سال ۱۷۶۳) هنگامی که درصدد بیان این نکته است که چرا مید^۲ به صراحت به تبیین خواص، عوارض و سایر موارد مربوط به این دارو اقدام ننموده، مطالب خود را به شکلی دلالود بیان می‌نماید (سخنانش را به شکلی زیرکانه مطرح می‌نماید): "شاید این تصور بوده که طبیعت کار به نحوی است که نباید به شکلی عمومی مطرح گردد؛ چرا که در این صورت مردم بسیاری ممکن است به مصرف آن بپردازند، و از همین روست که ترس و احتیاط پیشه برده تا شاید مانعی باشد بر تجربه قدرت بسیار این دارو از سوی مردم؛ زیرا این دارو دارای خواص بسیاری است، اگر این خواص برای عموم آشکار گردد، به آن معتاد خواهند شد و آن‌گاه مصرف ما بیش از مصرف افراد ترک‌ها خواهد شد؛ نتیجه چنین آگاهی‌ای از سوی مردم، باعث بدبختی عمومی خواهد شد." من ضرورتاً با چنین نتیجه‌گیری موافق نیستم اما ترجیح به قرین بودن این مبحث با اعتراف خودم آن را در ضمن داستان برای خواننده بیان خواهم کرد.

^۲ Mead - علاوه بر نام سازنده نام دارویی است مرکب از مالت، آب و عسل و ماده مخدر.